

پیش روی مردم و دولتها خواهد بود. این در حالی است که هر چه "مشارکت" مردم در سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از منابع از طریق دخالت آنها در برنامه ریزی، سازماندهی و اجرای طرحهای رشد و توسعه ملی بیشتر شود، این نابرابریها کاهش خواهد یافت. مطالعات زیادی نشان داده اند که "تعاون و شرکتهای تعاونی" در تضعیف و زایل ساختن نابرابریها و بی عدالتی های اقتصادی - اجتماعی نقش موثری دارند. زیرا تعاونیها به منزله نهادهایی مردمی، عامل تشویق مشارکت مردم در فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی بوده‌اند از این رو با پدیده نابرابری مبارزه ای ریشه‌ای دارند. بنابراین هر چه نقش بخش تعاون در جوامع فزاینده تر شود، میزان نابرابریها در آن جامعه بیشتر کاهش خواهد یافت. در این راستا، در اوان پیروزی انقلاب اسلامی لزوم بهره گیری مستقیم از "مشارکت مردمی" در فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی به منظور نیل به برابری اقتصادی و عدالت اجتماعی از سوی دولتمردان انقلاب بیش از پیش مورد توجه و تاکید قرار گرفت. به همین لحاظ، در بخش اقتصاد گزینه جدیدی به نام "اقتصاد تعاونی" انتخاب و بنای ایجاد آن گذاشته شد. به این بخش اقتصادی تا آنجا بها داده شد که اکنون می توان آن را یکی از چهره‌های تابناک اقتصاد ایران دانست. این در حالی است که چنانچه بستر مناسب تری برای آن تهیه و تدارک دیده شود، حتی می تواند به جریان مسلط اقتصاد کشور نیز تبدیل شود. خوشبختانه "اقتصاد تعاونی" از سوی مردم با استقبال چشمگیری مواجه شد، به طوری که تا قبل از دهه اخیر، کمتر کسی می‌توانست این همه رشد و گسترش شرکتهای تعاونی را پیش بینی کند. بنابراین بخش تعاون در فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور با جوهره "مشارکت" و یاری جویانه ای که در خود دارد تا اعماق ساختار اجتماعی کشور نفوذ یافته و جایگاه مناسب خود را پیدا کرده

تعاونیها؛

کانونهای گسترش فرهنگ مشارکت

مهندس محمدرضا عباسی

مقدمه:

خاص و محدودی از جامعه است و این قشر نیازهای خود را به نیازهای عامه مردم ترجیح می دهند، نابرابریهای اقتصادی - اجتماعی بوجود می آید. ادامه این روند و عدم بهره‌برداری عامه مردم از منابع ملی چنانچه تبدیل به یک جریان مسلط فکری می شود، قطعی شدن جامعه و افزایش روزافزون نابرابریها

بیشتر جامعه شناسان و اقتصاددانان وجود نابرابریهای فزاینده اقتصادی - اجتماعی در جوامع را ناشی از عدم وجود "مشارکت" جدی مردم در فرایند رشد و توسعه اقتصادی می دانند. آنان معتقدند به موجب آن که منابع ملی و بهره‌برداری از آنها در اختیار قشر



است. امروز برای همه آشکار شده است که یکی از کلید واژگانه‌های توسعه ملی کشور "تعاون" است.

یک نکته حائز اهمیت آن است که قرائن گذشته و حال نشان می‌دهد که در مقایسه با بخش خصوصی و بخش دولتی، بخش تعاون بهتر می‌تواند توسعه ملی را مبتنی بر عدالت و مساوات به ارمغان آورد. زیرا اساس و جوهره ذاتی این بخش بر مشارکت اصیل، داوطلبانه و علاقه مندانه مردم، استوار است. از این منظر، برخلاف بخش اقتصادی (که انگیزه آن کسب منافع است) و نیز بخش اقتصاد دولتی (که استقرار دخالت دادن مستقیم مردم را در جریانهای اقتصادی ندارد)، بخش تعاون به فرایند رشد و توسعه ملی، چهره ای مردمی خواهد بخشید. بر همین باور است که عنصر "مشارکت" موجب شده است که همگان تعاون را یکی از جریانهای اقتصادی بی همتا تلقی کنند که نماد "مشارکت" و دخالت مردم در همه امور فعالیتهای آن بسیار هویدا، ملموس و بارز است.

تعریف مشارکت

"مشارکت" در واقع شرکت داوطلبانه گروهی از مردم در برنامه‌ها و طرحهایی است که در توسعه ملی نقش دارند. مشارکت برانگیختن حساسیت مردم و از نتیجه افزایش ترک و توان آنها برای پاسخگویی به طرفها و برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی است. مشارکت زمینه مناسبی برای دخالت مردم در فرایندهای تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی می‌باشد. در "مشارکت" حد و دخالت مردم در فرایند تصمیم‌سازی تا آنجا

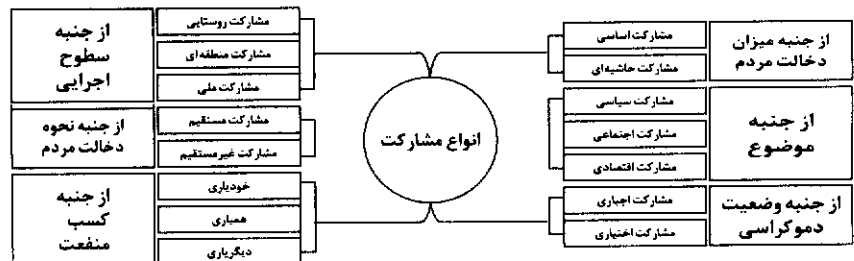
است که بر زندگی آنان تاثیر می‌گذارد. یعنی حق مداخله جمعی باید موجب حل مشکلات خود یا جامعه شود. با این وصف، مشارکت همانند ابزاری برای رونق بخشیدن به فعالیتهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در نتیجه شتاب دادن به آهنگ توسعه و بسط عدالت اقتصادی و اجتماعی است. مشارکت ابزار افزایش و توزیع فرصتهای شرکت جستن مردم در تصمیم‌گیریهای جمعی، همیاری و دیگریاری در توسعه و بهره‌مند شدن از نتایج آن تلقی می‌شود.

انواع مشارکت

شیوه‌های مشارکت متنوع و گوناگون است. هر یک از شیوه‌ها، سیاست و خط‌مشی تشویق و ترغیب خاصی را برای مشارکت گروهی یا همه مردم در دستور کار خود قرار می‌دهد. از این رو، مشارکت را از نقطه نظرهای مختلف می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی نمود (دیاگرام شماره یک)

۱- از جنبه میزان دخالت مردم از جنبه حدود گستره دخالت مردم در تصمیم‌گیری مشارکت به دو نوع قابل تقسیم است:

۱-۱ - مشارکت اساسی: این شیوه مشارکت نمایانگر مشارکت همه جانبه و نسبتاً کامل گروههای اجتماعی است. مراحل هر برنامه اعم از نیازسنجی و تصمیم‌سازی برای طرح‌ریزی، اجرا و ارزشیابی توسط گروههای اجتماعی مورد نظر صورت می‌گیرد. بنابراین مشارکت اساسی، شیوه مشارکت همه جانبه و کامل است. (اقتصاد تعاونی نمونه بارزی



از مشارکت اساسی است).
 ۱-۲ - مشارکت حاشیه‌ای: در این شیوه برای برخی از اجزای برنامه‌ها و مقاصد خاصی از مشارکت استفاده می‌شود. در واقع مشارکت حاشیه‌ای نوعی مشارکت تک‌بعدی است، مثلاً "در بخش اقتصاد، مشارکت در سرمایه‌گذاری طرحها از سوی مردم، نوعی مشارکت حاشیه‌ای است.

۲- از جنبه موضوع

بر اساس این که موضوع مشارکت در کدام جنبه زندگی گروهی مورد توجه باشد، می‌توان مشارکت را به سه دسته تقسیم نمود:

۱-۲ - مشارکت سیاسی: شامل مشارکت گروههای اجتماعی در برنامه‌ها و فعالیتهای سیاسی است.

۲-۲ - مشارکت اجتماعی: شامل مشارکت گروههای اجتماعی در برنامه‌ها و فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی است.

۲-۲ - مشارکت اقتصادی: شامل مشارکت گروههای اجتماعی در برنامه‌ها و فعالیتهای اقتصادی است.

۳- از جنبه نحوه دخالت مردم بر پایه این که مردم چگونه و به چه شیوه در برنامه‌ها و فعالیتهای مربوط به مشارکت داشته باشند، مشارکت دو گونه است:

۱-۳ - مشارکت مستقیم: در این شیوه مردم مستقیماً در تصمیم‌سازیهای برنامه‌ها و فعالیتهای دخالت می‌کنند. مشارکت مستقیم در واقع نشانگر وجود دموکراسی مشارکت و نیز دموکراسی مستقیم و بی‌واسطه در جامعه است.

۲-۳ - مشارکت غیر مستقیم: در این شیوه مردم به‌طور مستقیم در فرایند مشارکت دخالت ندارند. بلکه از طریق گروههای نماینده خود می‌توانند در جریان تصمیم‌سازیها دخالت داشته باشند.

۴- از جنبه سطوح اجرایی

بر پایه این که برنامه ها و فعالیتهای موردنظری که مشارکت مردم را طلب می کنند در چه سطوحی به اجرا در می آیند، شیوه مشارکت به سه طبقه تقسیم خواهد شد:

۴-۱- مشارکت در سطوح روستایی: مردم روستاها می توانند در برنامه ها و فعالیتهای ویژه منطقه روستایی خود مشارکت کنند.

۴-۲- مشارکت در سطوح منطقه ای: مردم می توانند در برنامه ها و فعالیتهای منطقه ای، استانی و ناحیه ای مشارکت کنند.

۴-۳- مشارکت در سطح ملی: تمامی مردم می توانند در برنامه ها و طرحهای ملی مشارکت کنند.

۵- از جنبه وضعیت دموکراسی

از این نظر که مشارکت مردم در چه درجه و طیفی از دموکراسی مورد توجه قرار گرفته شود، می توان مشارکت را به دو طبقه تقسیم کرد:

۵-۱- مشارکت اجباری: مردم یا گروههای

اجتماعی به صورت غیر داوطلبانه و از روی اجبار در برنامه ها و فعالیتهای مشارکت خواهند داشت.

۵-۲- مشارکت اختیاری: مردم یا

گروههای اجتماعی به صورت ارادی، داوطلبانه و از روی تمایل و علاقه در برنامه ها و فعالیتهای مشارکت خواهند داشت.

۶- از جنبه کسب منفعت

از نظر این که منافع، مزیتها و نتایج مشارکت به صورت مستقیم نصیب چه فرد یا گروهی می شود، میتوان مشارکت را به سه دسته ذیل تقسیم نمود:

۶-۱- خودیاری: در فرایند خودیاری،

یک فرد با فرد یا گروهی در انجام فعالیتهای مشارکت دارد. این مشارکت می تواند متقابل نیز باشد. یعنی فرد یا گروهی که در فعالیتهای مورد کمک (مشارکت) واقع شده است، در

فعالیتی (در صورت نیاز) به فرد مشارکت

کننده قبلی متقابلاً کمک (مشارکت) خواهد کرد. مشارکت در نظام سنتی تولید کشاورزی (بنه بندی) نوعی خودیاری بوده است. یعنی یک زارع برای انجام عملیات کشاورزی به دیگران کمک می کند و در هنگام عملیات کشاورزی خود نیز از مشارکت آنها (متقابلاً) بهره مند می گردیده است.

۶-۲- همیاری: در فرایند همیاری، همه

مردم و گروه اجتماعی مورد نظر در تصمیم سازیها و اجرای برنامه ها و فعالیتهای مشارکت دارند و همه آنها از نتایج مشارکت سود و منفعت



مشترک می برند. همیاری نوعی مشارکت عمومی است. (قابل ذکر است که همه مشارکت کنندگان ممکن است از همیاری به صورت مساوی یا غیرمساوی بهره ببرند.)

۶-۲- دیگریاری: در فرایند دیگریاری،

فرد یا گروه مشارکت کننده به فرد یا گروه دیگر کمک و یاری می رساند. در دیگریاری ممکن است حتی فرد یا گروه مشارکت کننده، نفع و سودی عایدش نشود. (مانند مشارکت در فعالیت های عامه المنفعه یا امور خیریه که لزوماً "مرز مشارکت کننده ممکن است مستقیم یا حتی غیرمستقیم سودی عایدش نشود.)

مراحل مشارکت

در طول واقعه "مشارکت" اصیل و اساسی، فرایند مشارکت همواره تداوم خواهد داشت. در واقع تا مادامی که واقعه مشارکت ادامه دارد (تا هنگامی که وقعه ای در فرایند مشارکت ایجاد نشود یا فرایند مشارکت با مانعی برخورد نکرده و مسیر طبیعی خود را طی می کند) می توان مراحل را قابل شد که این مراحل به صورت چرخه ای دایمی طی می شوند. با این وصف در فرایند مشارکت مردمی اصیل چهار مرحله زیر طی می شود:

مرحله اول- مشارکت در تصمیم سازی: همه افراد یا گروههای مشارکت کننده در یک برنامه یا فعالیت باید برای تصمیم سازی درباره انتخاب شیوه و عمل و چگونگی اجرای عملیات یعنی برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی برنامه مشارکت دقیق داشته باشند.

مرحله دوم- مشارکت در اجرای عملیات:

همه افراد یا گروههای مشارکت کننده باید برای اجرای تصمیم های گرفته شده مشارکت جدی داشته باشند.

مرحله سوم- مشارکت در ارزیابی: همه

افراد یا گروههای مشارکت کننده باید برای بررسی نتایج، سیر فعالیتهای و چگونگی تحقق و نیل به اهداف، مشارکت داشته باشند. بنابراین بازنگری و اصلاح برنامه ها و طرحها بر پایه بازخوردهای حاصل از نظارت و ارزیابی یا مشارکت افراد یا گروههای مشارکت کننده صورت می پذیرد.

مرحله چهارم- مشارکت در منافع: همه

افراد یا گروههای مشارکت کننده باید از منافع حاصل از اجرای برنامه یا طرحها سهم منصفانه ای داشته باشند. در واقع ما حاصل تمامی تلاشهای "مشارکت" منافی است که به فرد یا گروه مشارکت کننده تعلق می گیرد.

تعاونیها و مشارکت

شرکتهای تعاونی به سبب قابل شدن نقش فعال و دخالت دادن صاحبان اعضا خود در

برطرف سازند.

با این اوصاف، در فلسفه تعاون مشارکت کلید طلایی توسعه اقتصادی- اجتماعی و مالا توسعه ملی است. مشروط بر آن که رهبران و اعضا، تعاونیها بتوانند مشارکت را به نحوی معنی دار در فرایند فعالیتها به کار گیرند. آسیب شناسی تعاونیها نشان از آن دارند که حلقه گمشده تعاونیهای شکست خورده، ضعیف و توسعه نیافته فقدان مشارکت و یا عدم بهره گیری منطقی و صحیح از آن می باشد. یک توصیه مهم آن است که در کشورهای درحال توسعه پذیرش و به کار گیری "مشارکت مردمی" یک اصل انکار ناپذیر برای تحقق

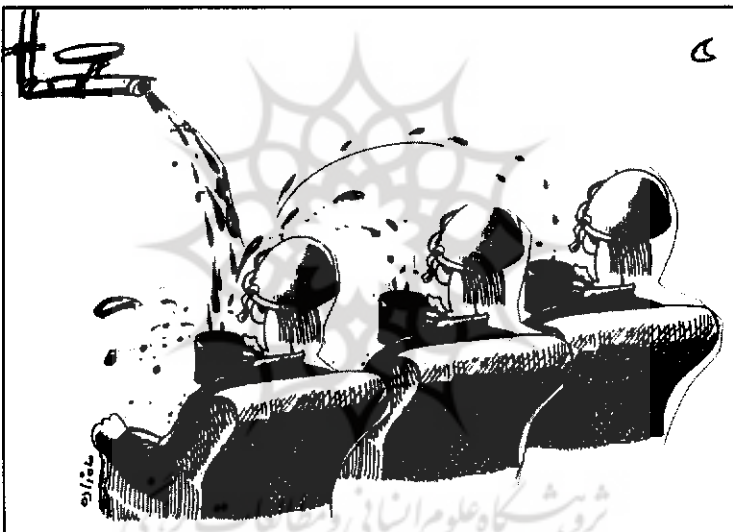
توسعه است. به ویژه در کشور ما با توجه به سوابق تاریخی و نیز تعالیم عالیه اسلام که مساله فرهنگ مشارکت بسیار توصیه شده است. می بایست مشارکت مردم در فرایند رشد و توسعه ملی جدا "مورد نظر مسئولین قرار گیرد. خصوصا آن که در بین مبین اسلام تاکید زیادی بر مشارکت، همیاری و تعاون شده است.

نکته آخر آن که برای تثبیت فرهنگ مشارکت، شناخت

اساسی فلسفه تعاون و آموزش آن به مردم بسیار حائز اهمیت و ضروری است. زیرا در عصر حاضر یکی از ویژگیهای انسان، تغییر پذیری در اندیشه و رفتار است. زیرا فرهنگ ملل مختلف مردم کشور را تحت تاثیر قرار خواهد داد به طوری که این تغییر پذیری، بحران هویت فرهنگی را در وضعیتی حاد و شدید موجب می شود. در واقع هر چه بین آموزشهای تعاون و فرهنگ مشارکت در امور مردم فاصله ایجاد شود، بحران هویت فرهنگی (فرهنگ تعاون و مشارکت) بیشتر خود را نمایان خواهد ساخت. ■

"تعاون" و "شرکتهای تعاونی" در تضعیف و زایل ساختن نابرابریها و بی عدالتی های اقتصادی- اجتماعی نقش موثری دارند

مسیر پیش بینی شده و واقعی خود خارج می شود، در واقع ماهیت "مشارکت" در آن تعاونی دچار مشکل شده و باید برای آن فکری کرد. حال آن که اگر یک شرکت تعاونی به نحوی موثر و مطلوب در راستای نیل به اهداف خود به خوبی پیشرفت کند، یقیناً از عنصر مشارکت به خوبی بهره گرفته است.



کلیه مراحل (از پیدایش تعاونی تا توسعه فعالیتها و تداوم حیات آن) به کانونهای اصیل تبلور "مشارکت" و "ارتباطات مردمی" اشتها یافته اند. به دلیل آن که همه فعالیتها (از لحظه ظهور فکر اولیه برای پیدایش تعاونی تا مراحل مختلف ایجاد، راه اندازی، حیات و بقاء آن) با مشارکت داوطلبانه گروههای مردمی انجام می

شود، شرکتهای تعاونی هسته های بنیادین و اصلی ترغیب مردم به مشارکت و جامعه گرایی محسوب شده و تجلی گاه فرهنگ مشارکت در عرصه فعالیتهای اقتصادی- اجتماعی می باشند. بر این اساس به کمک تعاونیها می توان نوعی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی "درون زا" و "خود جوش" را با بهره گیری از مشارکت فعال همه آحاد مردم سامان داد. از نگاه توسعه گرایان و

از نگاهی دیگر، تعاونیها که پایگاهها و مراکز اجرای اصول اصیل "مشارکت" هستند، به مشابه مراکز "قدرت" مردم نیز محسوب می شوند. منظور از "قدرت" آن است که توان دسترسی به منابع اقتصادی- اجتماعی برای حفظ و تامین معاش و کنترل بر منابع مزبور برای مردم تسهیل و تسریع می گردد. در این باره تعاونیها مردم را تشویق به "مشارکت" برای کسب "قدرت" در اداره زندگی خود و همیاران نشان می کنند. آنان به موجب این "قدرت" قادر می شوند که نیازهای گروه همیار را تعیین کنند و از طریق تشریک مساعی چگونگی انتخاب، نحوه و توزیع منابع، آن نیازها را

دکترین توسعه، "تعاونیها" سازمانها و ابزارهای موثر مشارکت دامن مردم و مجری اصل تعالی "اتکای بر مردم" در فرایند توسعه اقتصادی- اجتماعی هستند. تعاونیها محیط دموکراتیک مناسبی را برای تصمیم سازی گروهی فراهم می سازند و از این حیث برخی شرکتهای تعاونی را کانون آموزشی مشارکت و رفتار مشارکتی "دانسته اند، این کانونها (شرکتهای تعاونی) به مردم می آموزند که چگونه می توان به یک جامعه کاملاً "مشارکتی" رسید.

"تعاونی" و "مشارکت" در واقع دوروی یک سکه اند. هنگامی که یک شرکت تعاونی از